

اثبات امامت از طریق قاعده امکان اشرف

اثبات امامت

یکی از ادله عقلی که معمولاً دانشمندان و فلاسفه شیعه در اثبات امامت از آن بهره می گیرند "قاعده امکان اشرف" است. از ویژگی های مهم این برهان، این است که همراه با اثبات اصل وجود امام، استمرار وجود مبارک او را در گستره ی عالم بشریت تا آخرین فرد انسانی نیز ثابت می کند. امکان اشرف، با نگاه به کل هستی، ساختمان آن را به گونه ای می یابد که جایگاه وجود امام، ذاتاً، پیش از سایر انسان ها است. طبق بیان ملاصدرا این قاعده اولین بار توسط ارسطو و سپس ابن سینا در الهیات شفا و تعلیقات و شیخ اشراق در مطارحات و حکمة الاشراق، میرداماد در قیسات و برخی فیلسوفان دیگر بحث شده است. اما بحث تفصیلی درباره آن توسط شیخ اشراق، میرداماد، و سپس ملاصدرا انجام شده است و پس از ملاصدرا هم فیلسوفان دیگر چون ملاحادی سبزواری و علامه طباطبایی از آن بحث کرده اند. در این نوشتار برآنیم تا پس از بیان این قاعده وجود امام را از این طریق ثابت نماییم.

بیان قاعده و تقریر آن

قاعده امکان اشرف به بیان ساده عبارت است از اینکه در تمام مراحل وجود، لازم است ممکن اشرف (برتر و شریف تر) بر ممکن اخس (پست تر و پایین تر) مقدم باشد به عبارت دیگر در جهان هستی در هر جا و هر موقعیت که ممکن اخس و پست تری موجود شده باشد به یقین قبل از آن ممکن اشرف و برتری موجود بوده است.

بنابراین مفاد قاعده امکان اشرف آن است که بین موجودات ممکن نظام هستی در میزان کمال و فضیلت تفاوت و مراتب وجود دارد. یعنی موجودات آفریده شده به رغم اینکه در اصل مخلوق بودن مساوی هستند اما در میزان بهره مندی از هستی و کمال و فضیلت تفاوت دارند برخی دارای کمال و شرافت بیشتر و برخی دیگر کمتر هستند.

هر موجود اخس و پایین مرتبه ای در خلقش، نیازمند این است که موجود اشرفی قبل از آن خلق شده باشد، تا این موجود اشرف علت به وجود آمدن آن موجود اخس باشد. و از نگاه دیگر هر موجود اشرفی که یافت شود، باید موجود اخسی که معلول آن است نیز یافت شود. بنابراین قاعده، بین خداوند که مجرد محض و اشرف بلا منازع است و بین انسان های عادی باید مخلوقات و وجودهایی باشد که نقش واسطه را دارد چه در خلقت و چه در شریعت.

براهین قاعده امکان اشرف

مفاد قاعده امکان اشرف قضیه ای فطری است و چندان نیازی به اقامه برهان ندارد یعنی فطرت آدمی در صورت درک صحیح از آن گواهی به صحت آن می دهد. از این رو می توان این قاعده را مانند یک امر بدیهی به شمار آورد. با این حال فلاسفه در اثبات این قاعده براهینی را ابداع و تقریر کرده اند. در این نوشتار برای جلوگیری از اطاله کلام و نیز سنگین شدن بحث تنها به ذکر دو دلیل اکتفا نموده و علاقمندان را به کتب فلسفی موجود در این زمینه ارجاع می دهیم.

اولین دلیل را به بیان ساده چنین می توان عنوان نمود که: اگر میان دو چیز هیچ رابطه و مناسبت ذاتی نباشد و از هم بیگانه نباشند پس هیچ رابطه علی و معلولی نیز بین آنها نخواهد بود اما اگر میان آنها تناسب و ارتباطی وجود داشته باشد طبیعتاً به نحوی میان آنها رابطه علی و معلولی برقرار است و بنابر اصل سنخیت میان علت و معلول، در قدم نخست آن معلولهایی صادر می شوند که به علت نزدیکتر و به بیان دیگر اشرف از سایر معلولها باشند.

اما دلیل دوم بدین صورت است که گفته می شود: اگر فرض کنیم ممکن اشرف در مرتبه ای مقدم بر موجود پست تر به وجود نیاید در این صورت 3 حالت زیر قابل فرض است:

1. اینکه موجود اشرف همراه و توأم با موجود اخس از حق تعالی صادر شده و وجود یافته.
 2. اینکه موجود اشرف پس از موجود اخس صادر شده باشد.
 3. اینکه موجود اشرف با اینکه ممکن است اصلاً صادر نشده است (نه توأم با صدور ممکن اخس و نه قبل و نه بعد از آن)
- اما این فرض که موجود اشرف همراه و توأم با موجود اخس از حق تعالی صادر شده و وجود یافته باطل است چرا که در این صورت صدور واحد از کثیر لازم می آید که امری محال است.
- و اما فرض دوم نیز محال است چرا که اگر موجود اشرف پس از موجود اخس صادر شده باشد. اشرف بودن معلول از علت خویش لازم می آید و چنین چیزی نیز محال است

و در فرض سوم موجود اشرف با اینکه ممکن است اصلاً صادر نشده است. می دانیم که خداوند تبارک و تعالی، فیاض مطلق و جواد است و کرم و فضل او بر موجودات همیشگی است و دست بخشش او باز است، بنابر این خود داری از افاضه وجود اشرف، بر خداوند، محال است مگر اینکه فرض

کنیم که وجودی اعلی و برتر از واجب الوجود مانع از صدور معلول اشرف شده است. که بطلان این فرض نیز واضح است. بنابراین تنها فرض صحیح همان است که ممکن اشرف در مرتبه ای مقدم بر ممکن اخس به وجود می آید.

امام ممکن اشرف است

تا بدینجای بحث دانستیم که هرگاه ممکن اخس و پایین تر موجود باشد می توان نتیجه گرفت که ممکن اشرف و بالاتر نیز موجود است. بنابراین اگر بتوانیم ثابت کنیم که امام ممکن اشرف و سایر انسانها نسبت به آن ممکن اخسند، تنها با وجود یک انسان بر روی زمین می توان پی به وجود امام برد. چنانکه در روایات نیز آمده است: «لو كان الناس رجلين لكان أحدهما الإمام. إن آخر من يموت الإمام؛ اگر مردم منحصر در دو نفر گردند هر آینه یکی از آنها امام خواهد بود. و از آن دو نفر آن که دیرتر بمیرد امام خواهد بود.»

اما اشکال مهمی که در پیش رو به نظر می رسد در همین اشرف بودن وجود امام (ع) از سایر موجودات (ولو بقیه انسان ها) است. روشن است منظور از اشرف در بودن، اشرف فلسفی و وجودی است؛ یعنی، موجود اشرف با موجود اخس، باید فرق کند و می دانیم افراد نوع واحد، مماثلند و تقدمی بر یکدیگر ندارند. از این رو تقدم و اشرف بودن ائمه (ع) بر سایر انسان ها، اشکالی است که در تطبیق این قاعده به نظر می رسد. توضیح اینکه اگر وجود نبات را اخس از وجود حیوان می دانیم، صحیح است، اما چطور می توان فردی از حیوان را اخس از فرد دیگر دانست و وجود دیگری را شدیدتر و اشرف تلقی کرد. حل این نکته بسیار کارگشا است و تطبیق امکان اشرف را خالی از اشکال می کند. ملاصدرا این مهم را بیان کرده و این استفاده را عاری از اشکال نموده است.

وی متذکر این نکته مهم می شود که مماثلت امامان و بقیه انسان، صرفاً در جسم و وجود عنصری آنان است و بر حسب نشأه، روحانی، آنان از شجره و مقوله دیگری اند. نوع آنان با نوع بقیه انسان ها متفاوت است و قلبی از انسان ها، به نطق می رسند و تمایز وجودی پیدا می کنند. بر این اساس، نوع ائمه هدی و سایر انسان، متفاوت است و اشکال یاد شده بر تطبیق برهان امکان اشرف وارد نیست. ملاصدرا می نویسد: «اگر کسی بگوید امام و سایر مردم از نوع واحدند و افراد نوع واحد، مماثلند و بر این اساس تقدمی بر یکدیگر ندارند و برهان امکان اشرف تطبیق نمی کند؛ در پاسخ می گوئیم: هیئات انما المماثلة بین افراد البشر بحسب المادة البدنیة؛ مماثلت بین افراد بشر بر حسب ماده ی بدنی و نشأه ی طبیعی است؛ قبل از آنکه نفوس ساده از قوه به فعلیت برسند اما بر حسب نشأه روحانی، این گونه نیست و مماثلتی در کار نمی باشد.»

«اما بحسب النشأه الروحانیة فهی واقعه تحت انواع کثیره لا تحصی و قوله تعالی انما انا بشر مثلكم انما هو بالاعتبار الاول دون الثانی فنوع النبی (ص) و الامام نوع عال شریف اشرف من سایر الانواع فنسبه نوع الحجة الی سایر البشر فی رتبه الوجود کنسبه الانسان الی سایر الحیوان؛ بر حسب نشأه ی روحانی، انسان جنس و دارای انواع کثیره ای است و این که قرآن به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: "بگو من بشری مثل شما هستم"، به اعتبار نشأه طبیعی و ماده بدنی است؛ ولی به اعتبار وجود نورانی و روحانی نوع امام و نبی ممتاز از سایر انواع انسانی و اشرف از آنها است؛ چنان که نوع انسان از سایر حیوانات اشرف است. بر این اساس و با این توضیح ایشان، می توان گفت امامان (ع) ممکنات اشرفیند که واسطه در خلقت هستی می باشند.

اثبات وجود امام (ع) در برتو این قاعده

پس از اینکه ثابت کردیم که امام (ع) نسبت به سایرین ممکن اشرف است. طبق قاعده امکان اشرف می توان نتیجه گرفت که وجود امام (ع) بر سایرین مقدم است. به بیان منطقی:

الف) در تمام مراحل وجود لازم است که ممکن اشرف بر ممکن اخس مقدم باشد.

ب) امام (ع) ممکن اشرف است.

نتیجه اینکه وجود شریف امام (ع) مقدم بر وجود سایر ممکنات است و لذا وجود انسانها و سایر مخلوقات مثبت وجود مبارک امام (ع) است. این گونه است که «بکم فتح الله» و «السابقون دهرا» فهمیده می شود و اینکه معصومین (ع) فرموده اند: «نحن السابقون اللاحقون» یعنی، به روحانیت کلیه شان، وسایط فیض هستیند و هستی محتاج هستی آنان است و ضرورت «حجت» فهم می شود.

بسیاری از این نکته ها را نیز از روایات استفاده می شود. به طور مثال اینکه فرموده اند «حجت» قبل از خلق است، اشاره به این دارد که وجود ائمه (ع) اشرف و واسطه در ایجاد خلق و فیض رسانی به هستی است: «فهی قبل الخلق من حیث کونها واسطه فی ایجاد الخلق» و اینکه فرموده اند: حجت بعد از خلق است، منظور این است که حجت غایتی است که تمام جسمانیات به او منتهی می شود: «و بعد الخلق من حیث کونها من الغایات الی بنتهی الیها الجسمانیات.»

منابع

سید هاشم حسینی تهرانی- توضیح المراد فی شرح کشف المراد- مکتبه رضویه- صفحه 84-82

کلید واژه ها

